



تفسیر "امت واحد" و دلایل بروز اختلاف بین انسانها

مهدی سیدمهدی

- 1- تعریف امت واحد 3
- 2- انسانها در ابتدا امت واحدی بودند 3
- 3- بروز اختلاف بین انسان ها و علت آن 4
- 3.1- تلقی دارائی از امکانات مادی و غیرمادی و برتری طلبی 4
- 3.1.1- نکوهش برتری جوئی در قرآن 7
- 4- انسان ها از یک نوع هستند 8
- 5- چرا انسان ها بصورت امت واحد قرار داده نشده اند؟ 9

1- تعریف امت واحد

قبل از این که به بحث امت واحد پردازیم لازم است که تفاوت ملت و امت را بدانیم، ملت در زبان عربی به معنای راه و روش است ولی در زبان فارسی این کلمه معادل کلمه انگلیسی (Nation) بکار می رود که به گروهی از انسانها که دارای فرهنگ و سنت های مشترک بوده و در سرزمین معینی تحت حکومت واحدی زندگی می کنند و امت به مجموعه ای از انسانها که از نظر اعتقادی و عقیدتی مشترک هستند گفته می شود، که لزوما مانند ملت، در یک سرزمین زندگی نمی کنند.

امت واحد یعنی این که عقاید افراد گروه یکی است بنابراین تعبیر واحدی از موضوعات دارند. امت واحد در قرآن یعنی گروهی که از هرگونه انحراف تهی باشند و تنها بر فطرت خالص باشند و چون فطرت در همه انسان ها یکسان است بنابراین انسانهایی که جزو امت واحد می باشند، برداشت آنها از موضوعات یکی می باشند و بهمین جهت عمل آنها هم مشابه می باشد.

2- انسانها در ابتدا امت واحدی بودند

در قرآن آمده است:

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و مردم جز يك امت نبودند پس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود قطعا در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می کنند میانشان داوری می شد (یونس – 19)

انسان های اولیه زندگی ساده ای داشته اند و وسائل و امکانات زندگی را عمدتا از طبیعت زمین بدست می آوردند و احتیاج به ساختن چیزهای زیادی نداشتند بنابراین همه تقریبا در یک سطح زندگی می کردند و کسی بر کسی برتری نداشته است یا بعبارت دیگر کسی چیزی بنام دارائی که سبب برتری باشد، نداشته است بهمین علت انسان های اولیه در فطرت خود بوده اند و امت واحدی را تشکیل می دادند.

3- بروز اختلاف بین انسان ها و علت آن

در دوره های بعد از انسان اولیه، عوامل زیر عمدتاً سبب اختلاف بین انسان ها شد:

(1) تلقی دارائی از امکانات مادی و غیرمادی و برتری طلبی

(2) سنت های خانوادگی، سنت ها و فرهنگ های قومی و ملی

3.1- تلقی دارائی از امکانات مادی و غیرمادی و برتری طلبی

در قرآن آمده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند به توفیق خویش به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند (بقره - 213)

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و به یقین فرزندان اسرائیل را کتاب [تورات] و حکم و پیامبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنان را بر مردم روزگار برتری دادیم، و دلایل روشنی در امر [دین] به آنان عطا کردیم و جز بعد از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد [آن هم] از روی رشک و رقابت میان خودشان دستخوش اختلاف نشدند قطعاً پروردگارت روز قیامت میانشان در باره آنچه در آن اختلاف میکردند داوری خواهد کرد (جاثیه - 16، 17)

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و گفتند هرگز کسی به بهشت درنیاید مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد این آرزوهای [واهی] ایشان است بگو اگر راست می گویند دلیل خود را بیاورید، آری هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد، و یهودیان گفتند ترسایان بر حق نیستند و ترسایان گفتند یهودیان بر حق نیستند با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند پس خداوند روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف میکردند میان آنان داوری خواهد کرد (بقره - 111-113)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت و هر کس به آیات خدا کفر ورزد پس [بداند] که خدا زودشمار است (آل عمران - 19)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است (آل عمران - 105)

در دوره های بعد از انسان اولیه، اختلاف در بین انسان ها از آنجا شروع شد که آن ها به تدریج به بعد مادی دنیا، علم (Natural science) پیدا کردند که خود علم و چیزهائی که با این علم می توانستند بسازند سبب ایجاد چیزی شد که آن را دارائی نامیدند، البته همه انسان ها دارای این نوع علم و یا آن چیز ها (دارائی ها) نبودند بنابراین اختلاف سطح زندگی بین دارندگان دارائی ها و آن کسانی که فاقد آن بودند، ایجاد شد و

دارائی معیار ارزیابی انسان ها و برتری آنها نسبت به یکدیگر در نظر گرفته شد و رقابتی بین انسان ها برای داشتن بیشتر دارائی شروع شد و انسان ها به این ترتیب از هم فاصله گرفتند (برای توضیحات بیشتر در مورد موضوع دارائی به کتاب "جهان هستی، انسان، آموزش، تکامل" مراجعه کنید).

قبول معیار برتری انسان ها براساس دارائی آنها، سبب ایجاد خصلت برتری طلبی در انسان شد و انسان سعی کرد برتر از دیگران باشد و آن ها را در انقیاد خود در آورد و ارضای خصلت برتری طلبی سبب شد که انسان ها از فطرت خود فاصله بگیرند و از هدفی که برای آن خلق شده بودند، دور شدند، در این هنگام پیغمبران آمدند تا دوباره انسان را به سوی فطرت و هدفی که برای آن خلق شده بودند، راهنمایی کنند ولی بعد ها بعضی از اشخاص با درک غلطی که از دین داشتند تعبیرات خود از دین را صحیح پنداشتند و بدین ترتیب آگاهانه و یا ناآگاهانه از تعبیرات خود از دین، دارائی جدیدی ساختند و سعی کردند از این طریق خواسته برتری طلبی خود را برآورده کند و بر این اساس هر اندیشه ای که مخالف آنها بود به مخالفت با دین پنداشتند که نمونه مشخص آن رهبران کلیسا در قرون وسطا هستند که برای خود امپراتوری تشکیل داده بودند و هر کسی که مخالف آنها بود تکفیر می کردند و حتی با نظریات علمی مخالفت می کردند.

رנסانس و بخصوص انقلاب علمی در (Scientific revolution) علوم مادی که در اواخر قرن هیجدهم شروع شد و موجب پیشرفت علم و سر منشاء تحولات بزرگی در زندگی انسان شد، سبب علم گرایی و ظهور فلسفه هائی مثل پوزیتیویسم شد که مطالب مطرح در متافیزیک (Metaphysics) را بدون معنا و یا غیر قابل

شناخت توسط انسان می داند. در واقع بعد از انقلاب علمی جای رهبران کلیسا با دانشمندان علوم مادی (Scientist) عوض شد و بعضی از این دانشمندان آگاهانه و یا ناآگاهانه از تعبیرات خود از علمشان، دارائی ساختند و سعی کردند از این طریق خواسته برتری طلبی خود را برآورده کند و حتی بعضی از آنها با ایجاد نظریه هائی تلاش کردند که از طریق علم تخصصی خود جهان هستی را مورد شناخت قرار دهند در صورتی که معلومات (Knowledge) موجود در جهان هستی یک معلومات واحد است و هر نوع تقیسم بندی هم که انسان برای تفکیک معلومات جهان هستی انجام می دهد تنها یک تفکیک ذهنی است از جمله تفکیکی که انسان در معلومات جهان هستی بصورت ذهنی انجام داده، تفکیک معلوماتی است که به رویدادهای دنیای

مادی و قوانین آنها می پردازد و آن را علم (Science) نامیده و به علوم مختلفی مثل شیمی و فیزیک، زمین شناسی، زیست شناسی، پزشکی تقسیم نموده است در صورتی که در دنیا هیچ جسم مادی که بتوان فقط یکی از این گونه علوم به آن تخصیص داد، وجود ندارد بنابراین تعریف و شناخت جهان هستی ارائه شده توسط بعضی از دانشمندان که براساس تخصص شان که در یکی از علوم طبیعی (Natural Science)، بیان شده یعنی این که آنها سعی کرده اند که جهان هستی را از طریق علم تخصصی خود تعریف و تشریح کنند یعنی از جزء بسیار کوچکی می خواهند کل را بیان کنند این مثل این می ماند که شما در سازمانی مشغول کار باشید و این سازمان صدها بخش دارد و شما مسئول یکی از این بخشها هستید حال سؤال این است که آیا شما صلاحیت دارید از دیدگاه بخشی که آن را اداره می کنید کل سازمان را تعریف و بیان کنید؟ برای این که متوجه شویم که اظهار نظرهای این گونه دانشمندان تا چه حد به واقعیت نزدیک است بهتر است بدانیم که میزان علم (Natural Science) بشر به جهان مادی چقدر است براساس تخمینی که در مدل استاندارد کیهان شناسی (standard model of cosmology) ماده معمولی (کهکشانه) 5%، ماده تاریک 27% و انرژی تاریک 68% از جهان قابل مشاهده را تشکیل می دهند که علم بشر در حال حاضر شناختی نسبت به ماده تاریک و انرژی تاریک که 95% جهان مادی را تشکیل می دهد، ندارد و در مورد 5% بقیه نیز یعنی کهکشانها نیز علم انسان هنوز کامل نیست (برای توضیحات بیشتر به مقاله "ماهیت علم، وحدت علم" مراجعه کنید).

3.1.1- نکوهش برتری جوئی در قرآن

باید توجه داشت که منظور از مطالبی که در باره دارائی به آن اشاره شد، این نیست که ما بدنبال بدست آوردن وسایل و کسب معلومات برای رفع نیازهای واقعی خود و آسایش بیشتر نباشیم بلکه منظور این است که آنها را وسیله ای برای رقابت با دیگران و برتری جوئی نسبت به دیگران قرار ندهیم که در اینصورت این وسایل و معلومات که وسایل و امکاناتی برای رفع نیازهای واقعی انسان می باشند، از اختیار انسان خارج شده و انسان اسیر آنها می گردد. در نکوهش برتری جوئی، در قرآن آمده است:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

[آری] این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جوئی در زمین و فساد را ندارند، و

عاقبت نیک برای پرهیزکاران است (قصص - 83)

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ، حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تفاخر به بیشترداشتن شما را غافل داشت، تا کارتان [و پایتان] به گورستان رسید (تکواثر - 2، 1)

3.2- سنت های خانوادگی، سنت ها و فرهنگ های قومی و ملی

یکی دیگر از عواملی که سبب اختلاف انسان ها گردید مهاجرت انسان ها به نقاط مختلف کره زمین و تشکیل ملت های مختلف و به تبع آن ایجاد سنت و فرهنگ های مختلف شد. سنت عبارت از فرهنگ، باور یا رفتاری است که در یک گروه یا جامعه ای از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، سنت ها عمدتاً بعنوان دارائی تلقی می شوند و به نوعی سبب ایجاد خصلت برتری طلبی می گردد.

در قرآن آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای

آگاه است (حجرات - 13)

4- انسان ها از یک نوع هستند

انسان ها از پدر و مادر واحدی بوجود آمده اند و هم نوع هستند ولی به دلایلی که در بالا آمد بین آنها اختلاف افتاد. در قرآن آمده است:

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ، وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ، فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ

این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید، و [لی] دینشان را میان خود پاره پاره کردند همه به سوی ما باز می گردند، پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن [هم] باشد

برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود و ماییم که به سود او ثبت می کنیم (انبیاء – 92-94)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ، فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ، فَذَرَهُمْ فِي غَمَرْتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

و در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید، تا کار [دین]شان را میان خود قطعه قطعه کردند [و] دسته دسته شدند هر دسته ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند، پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار (مؤمنون – 52-54)

در آیه های بالا امت یگانه (أُمَّةً وَاحِدَةً) یعنی انسان ها هم نوع هستند و برای هدفی خلق شده اند و دین برای هدایت انسان برای رسیدن به آن هدف آمده است ولی انسان ها بجای این که از این هدایت برای رسیدن به هدفی خلق شده اند، استفاده کنند، با توجه به برداشت خود از دین به گروه های مختلفی تقسیم شدند "وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ" و به این ترتیب از دین هم دارائی های جداگانه ای برای خود ساختند و سعی کردند از این طریق خواسته برتری طلبی خود را برآورده کند و هر گروه، از این دارائی خود خوشحالند و به آن تعصب می ورزند.

5- چرا انسان ها بصورت امت واحد قرار داده نشده اند؟

در قرآن آمده است:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و ما این کتاب [=قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده پیروی مکن برای هر یک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می

خواست شما را يك امت قرار می داد ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید بازگشت [همه] شما به سوی خداست آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف میکردید آگاهتان خواهد کرد (مائده - 48)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ، وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گردآمدن [خلق] که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش، و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را امتی یگانه می گردانید لیکن هر که را بخواهد به رحمت خویش درمی آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یابوری (شوری - 7،8)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلِتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و اگر خدا میخواست همه شما را امت واحدی قرار میداد [همه را به اجبار وادار به ایمان میکرد، اما اجبار چه سودی دارد؟] ولی خدا هر کس را بخواهد [و مستحق ببیند] گمراه و هر کس را بخواهد [و لایق بداند] هدایت میکند، و شما از آنچه انجام میدادید بازپرسی خواهید شد (نحل - 93)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأُمَّةٍ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

و اگر پروردگار تو می خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد در حالی که پیوسته در اختلافند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که] البته جهنم را از جن و انس یکسره بر خواهم کرد (هود - 118، 119)

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لَبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

و اگر (هدف) نه آن بود که [همه] مردم امتی واحد گردند قطعاً برای خانه های آنان که به [خدای] رحمان کفر می ورزیدند سقفها و نردبانهایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می دادیم (زخرف - 33)

در بالا امت واحد را اینگونه تعریف کردیم:

امت واحد یعنی این که عقاید افراد گروه یکی است بنابراین تعبیر واحدی از موضوعات دارند. امت واحد در قرآن یعنی گروهی که از هرگونه انحراف تهی باشند و تنها بر فطرت خالص باشند و چون فطرت در همه انسان ها یکسان است بنابراین انسانهایی که جزو امت واحد می باشند، برداشت آنها از موضوعات یکی می باشند و بهمین جهت عمل آنها هم مشابه می باشد.

برای درک امت واحد بهترین نمونه حضرت ابراهیم است که در قرآن از او بعنوان امت نام برده شده است که امت واحد نیز هست چون یک نفر است و اختلافی در عقاید یک نفر نیست. از نظر قرآن حضرت ابراهیم نمونه یک امت است که از مشرکان نبود و مطیع فرمان خدا، حق گرا، شکر گذار نعمتهای خدا و در صراط مستقیم بود بهمین جهت خداوند او را به راه راست هدایت نمود و پیروی از آئین ایشان در قرآن توصیه شده است.

اما این که چرا انسان ها بصورت امت واحد قرار داده نشده اند، می بایستی ابتدا هدف از آفریدن انسان را بدانیم:

هدف از آفریدن انسان تکامل (رشد) شعور او از طریق کسب معلومات برای شناخت حقیقت جهان هستی و حقیقت خود (انسان) از طریق آموزش تئوری و تجربه عملی برای رسیدن به فطرت خالص و در نهایت وحدت است و رسیدن به فطرت خالص یعنی مبدل شدن به گرایش های فطری و جذب آن ، رسیدن به مرتبه نفس مطمئنه و انسان کامل است که در آن تسلیم مستتر است و در مراتب بالای جانشینی (خلیفه) خدا در روی زمین است و انسانی که به این مرحله از تعالی برسد خود بخود در امت واحد قرار می گیرد، چنانچه حضرت ابراهیم با توجه خصوصیتی که داشت، انسانی بود که به هدف رسیده بود و در قرآن از او بعنوان امت نامبرده شده که امت واحد نیز هست چون یک نفر است و اختلافی در عقاید یک نفر نیست، بنابراین قرار گرفتن در امت واحد خود هدف از آفریدن انسان است (که در آیه های 118 و 119 سوره هود که در بالا آمده است به آن اشاره شده است) و بهمین جهت انسان ها بصورت امت واحد قرار داده نشده اند و انسان می بایستی بر اساس فطرت خود و با استفاده از آموزشی که بصورت تئوری و عملی به او داده

می شود، آزمایشی که از او می شود و نشانه ها و امکاناتی که در اختیارش است با تفکر و تعقل به این هدف نائل شود.

برای توضیحات بیشتر در باره هدف از آفریدن انسان می توانید به تفسیر سوره حمد و کتاب "جهان هستی، انسان، آموزش، تکامل" و برای توضیحات بیشتر در باره امت واحد و خصوصیات حضرت ابراهیم به "تفسیر سوره حمد" مراجعه کنید.